

پیامدهای رحلت پیامبر از دیدگاه حضرت زهرا

<?xml encoding="UTF-8">

مقدمه

الف: رحلت جانشوز پیامبر اکرم (ص) رحلت پیامبر اکرم (ص) برای حکومت اسلامی و امت اسلام حادثه ای سخت و جانشوز بود . چنانکه امیرالمؤمنین (ع) می فرماید:

«بابی انت و امی یا رسول الله (ص) لقد انقطع بموتک ما لم ينقطع بموت غیرک من النبوة والانباء و اخبار السماء . خصصت حتی صرت مسلّیا عمن سواک و عمت حتی صار الناس فیک سواء و لولا انک امرت بالصبر و نهیت عن الجزع، لانفدنا علیک ماءالشؤون . و لکان الداء مماطلا و الکمد محالفا و قلالک . . . (1) ؛ پدر و مادرم فدایت ای پیامبر خدا، با مرگ تو رشته ای پاره شد که در مرگ دیگران چنین قطع نشد و آن نبوت و فرود آمدن پیام و اخبار آسمانی بود . مصیبت تو دیگر مصیبت دیدگان را تسلی دهنده ست یعنی پس از مصیبت تو دیگر مرگها اهمیتی ندارد . و از طرفی این یک مصیبت همگانی است که عموم مردم به خاطر تو عزادارند . اگر نبود که امر به صبر و شکیبایی فرموده ای و از بی تابی نهی نموده ای آنقدر گریه می کردم که اشکهایم تمام شود . و این درد جانکاه همیشه در من می ماند و حزن و اندوهم دائمی می شد . که همه اینها در مصیبت تو کم و ناچیز است .»

سختی مصیبت رحلت پیامبر به قدری بود که امام علی می فرماید:

«فضجت الدار الافنیة؛ (2) گویا در و دیوار خانه فریاد می زد»

ب: اجمالی از آثار پربرکت بعثت پیامبر اکرم (ص) شاید تصور آن روز برای خیلی ها امری مشکل به نظر می رسید، چرا که پیامبر توانسته بود در مدت کمی علاوه بر ایجاد الفت و اخوت و صفا و صمیمیت بین مردم، حکومتی عدل گستر و نظامی قانونمند را پی ریزی کند که مردم خصوصا طبقه عامه از آن بهره مند باشند .

چنانکه حضرت امیرمؤمنان (ع) می فرماید: «فانظروا الی مواقع نعم الله علیهم حین بعث الیهم رسولا . فعقد بملته طاعتهم . و جمع علی دعوته الفتهم، کیف نشرت النعمة علیهم جناح کرامتها و اسالت لهم جداول نعمتها والتفت الملة بهم فی عوائد برکتها فاصبحوا فی نعمتها غرقین . و فی خصرة عیشها فکھین . قد تربعت الامور بهم فی ظل سلطان قاهر . و آوتهم الحال الی کنف عز غالب، و تعطفت الامور علیهم فی ذری ملک ثابت . فهم حکام علی العالمین و ملوک فی اطراف الارضین یملکون الامور علی من کان یملکها علیهم، و یمضون الاحکام فیمن کان یمضیها فیهم لاتغمرلهم قناة و لا تفرع لهم صفاة؛ (3) حال به نعمتهای بزرگ الهی که به هنگامه بعثت پیامبر اسلام (ص) بر آنان فروریخت بنگرید . که چگونه اطاعت آنان را دین خود پیوند داد . و با دعوتش آنها را به وحدت رساند . چگونه نعمت های الهی بالهای کرامت خود را بر آنان گستراند و جویبارهای آسایش و رفاه برایشان روان ساخت و تمام برکات آیین حق، آنها را در بر گرفت در میان نعمت ها غرق شدند و در خرمی زندگانی شادمان . امور اجتماعی آنان در سایه حکومت اسلام استوار شد . در پرتو عزتی پایدار آرام یافتند و به حکومتی پایدار رسیدند . آنگاه آنان حاکم و زمامدار جهان شدند و سلاطین روی زمین گردیدند و فرمانروای کسانی شدند که

در گذشته حاکم بودند و قوانین الهی را بر کسانی اجرا می کردند که مجریان احکام بودند و در گذشته کسی قدرت درهم شکستن نیروی آنان را نداشت و هیچ کس خیال مبارزه با آنان را در سر نمی پروراند .»

ج: شمه ای از حالات فرصت طلبان عصر پیامبر اکرم (ص) شرایط قبل از اسلام و حتی بعد از حکومت اسلامی پیامبر به گونه ای نبود که تمام کسانی که در جزیره العرب آنروز می زیستند از جان و دل تسلیم اوامر حکومت نبوی شوند و چه بسا بودند کسانی که نه از سر تسلیم بلکه از ناچاری به بیعت حکومت حضرتش درآمده بودند . و حتی کسانی که در حیات حضرت نتوانستند کاری کنند .

چنانکه امام علی (ع) می فرماید: «فاراد قومنا قتل نبینا واجتياح اصلنا و هموا بنا الهموم و فعلوا بنا الافاعیل و منعونا العذب واحلسونا الخوف واضطرونا الی جبل وعر وواقدوا لنا نارالحرب فعزم الله لنا علی الذب عن حوزته والرمی من وراء حرمته؛ (4) خویشاوندان ما از قریش می خواستند پیامبرمان (ص) را بکشند و ریشه ما را درآورند و در این راه اندیشه ها از سر گذراندند و هرچه خواستند نسبت به ما انجام دادند . و زندگی خوش را از ما سلب کردند . و با ترس و وحشت به هم آمیختند و ما را به پیمودن کوه های صعب العبور مجبور کردند و برای ما آتش جنگ افروختند . اما خدا خواست که ما پاسدار دین او باشیم و شر آنان را از حریم دین بازداریم . آنان منتظر رحلت پیامبر بودند تا بتوانند به مطامع نفسانی خود دست یازند .

چنانکه امام علی (ع) خطاب به برادرش عقیل نوشتند: «فدع عنک قریشا و ترکاضهم فی الضلال و تجوالهم فی الشقاق و جماعهم فی التیه، فانهم قد اجمعوا علی حربی کاجماعهم علی حرب رسول الله (ص) قبلی . . . ؛ (5) قریش را بگذار تا در گمراهی بتازند و در جدایی سرگردان باشند . و با سرکشی و دشمنی زندگی کنند همانا آنان در جنگ با من متحد شدند آنگونه که پیش از من در نبرد با رسول خدا (ص) هماهنگ بودند .» البته بیانات پیامبر اکرم (ص) در حق امیرالمؤمنین و در راس آنها در غدیر خم توانسته بود از شدت و حدت آن بکاهد .

چنانکه حضرت زهرا سلام الله علیها فرمودند:

« . . . کانکم لم تعلموا ما قال یوم غدیر خم، والله لقد عقد له (علی علیه السلام) یومئذ الولاء لیقطع منکم بذلک منها الرجاء . . . ؛ (6) گویا از آن چه رسول خدا (ص) در روز غدیر خم فرمود، آگاهی ندارید؟ سوگند بخدا که ایشان در آن روز ولایت و رهبری امام علی (ع) را مطرح کردو از مردم بیعت گرفت تا امید شما فرصت طلبان تشنه قدرت را قطع نماید .»

گروهی نیز توان و توفیق معرفت پیامبر و حکومت حضرتش را پیدا نکرده بودند . چنانکه خداوند متعال می فرماید:

«قالت الاعراب آمنا، قل لم تؤمنوا ولكن قولوا اسلمنا و لما یدخل الایمان فی قلوبکم» . (7)

د: شرایط حاد و تاسف بار بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) این عوامل و عواملی دیگر دست بدست هم داده بود تا بعد از رحلت پیامبر اکرم جامعه آنروز با مشکلات خاصی مواجه شود . چنانکه امام علی (ع) می فرماید: « . . . حتی رایت راجعة الناس قد رجعت عن الاسلام، یدعون الی محق دین محمد (ص) فخشیت ان لم انصر الاسلام و اهله ان اری فیه ثلما او هدمما تكون المصیبة به اعظم من ولایتکم . . . ؛ (8) تا آنجا که دیدم گروهی از اسلام بازگشته، می خواهند دین محمد (ص) را نابود سازند . پس ترسیدم که اگر اسلام و طرفدارانش را یاری

نکنم، رخنه ای در آن بینم یا شاهد نابودی آن باشم که مصیبت آن بر من سخت تر از رها کردن حکومت بر شماست.»

پیامدهای رحلت از زبان حضرت زهرا (س)

در این مقال بنابر آن است که پیامدهای رحلت پیامبر اکرم (ص) از نگاه تنها یادگارش حضرت فاطمه سلام الله علیها بیان شود. او که بضعة الرسول است (9) و به تعبیر امام علی (ع) بقية النبوة (10) است و به اعتراف دیگران، خيرة النساء و ابنة خير الانبياء، صادقة فی قولک، سابقة فی وفور عقلک است. (11) او که خلیفه اول در جمع مردم مدینه درباره اش چنین گفته است: انت معدن الحکمة و موطن الهدی و الرحمة و رکن الدین و عین الحجة است. (12)

و حتی عائشه نیز گفته است: «ما رایت احدا کان اصدق لهجة من فاطمة الا ان يكون الذی ولدها». (13) او که هم مردمان مکه و مدینه را دیده و هم شاهد حیات پیامبر اکرم (ص) بوده و هم در کنار پیامبر و حضرت امیر (ع) حوادث ریز و درشت عصر نبوت و روزهای بعد از رحلت و حوادث تلخ و دردناک آن ایام کوتاه را به دقت زیر نظر داشته است. آری او می تواند پیامدهای تاسف بار رحلت پیامبر را خوب بیان کند. در اینجا به مواردی از آنها می پردازیم:

آن حضرت سلام الله علیها در خطبه فدکیه (14) و خطبه ای که بعد از جمع زنان مدینه که به عیادت ایشان آمده بودند (15) ایراد فرموده اند. پیامدهای رحلت پیامبر را بیان می کنند از جمله آنها عبارتند از:

1. ایجاد ضعف و سستی در میان مردم.

استومع وهنه «یا وهیه». (16)

حضرت در خطبه ای که در حضور زنان مدینه که به عیادت ایشان آمده بودند نیز این امر را تذکر دادند و با تاسف فرمودند:

«فقیحا لفلول الحد واللعب بعد الجد وقرع الصفاة؛ (17) چه زشت است سستی و بازیچه بودن مردانتان پس از آن همه تلاش و کوشش.»

2. تفرقه و اختلاف بوجود آمد.

«استنهر فتقه وانفتق رتقه؛ (18) تشمت و پراکندگی گسترش یافت. و وحدت و همدلی از هم گسست.»

استنهر از نهر به معنای وسعت و زیادی است، فتق به معنای جدایی و پاره پاره شدن است.

انفتق از انفتاق یعنی شکافتن و رتق هم به معنای همبستگی و اتحاد است.

در قرآن کریم نیز آمده است که: «ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما؛ (19) (آیا کافران ندیدند) که آسمانها و زمین به هم پیوسته بودند و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم.»

3. امید و آرزوهای مسلمانان به ناامیدی تبدیل شد

آنان که به پیامبر اکرم (ص) و احکام عالیہ اسلام ناب حضرتش دلخوش کرده بودند از نعمت دین الهی و حکومت اسلامی بهره مند گشته بودند. اکنون با دیدن حوادث بعد از آن حضرت مایوس شده و امیدشان به یاس مبدل گشت.

«واکدت الامال». (20)

4. به حریم پیامبر بی حرمتی شد.

«اضیع الحریم و ازیلت الحرمۃ عند مماته؛ (21) هنوز جسد مبارک پیامبر بر زمین است . در اجتماع سقیفه (22) بدون نظرخواهی از خاندان پیامبر به تعیین جانشین برای آن حضرت می پردازند . و حق اهل بیت حضرتش را ضایع می کنند .

چنانکه حضرت امام علی (ع) می فرمایند: فوالله ما کان یلقى فی روعی، و لا یخطر ببالی ان العرب تزعج هذا الامر من بعده (ص) عن اهل بیه و لا انهم منحوه عنی من بعده؛ (23) به خدا سوگند نه در فکر می گذشت و نه در خاطر می آمد که عرب خلافت را پس از رسول خدا از اهل بیت او بگرداند . یا مرا پس از وی از عهده دار شدن حکومت باز دارند .»

و حتی در لحظات واپسین عمر حضرت و هنگام رحلت ایشان، هنگامی که قلم و لوحی طلب فرمودند به آن حضرت بی حرمتی کردند و ندای فانه یهجر سر دادند (24)

و مدتی هم از رحلت حضرت نگذشت که به درب خانه تنها یادگارش آمدند و چه بی حرمتیها که نکردند . چنانکه حضرت زهرا فرمود: یا ابتاه یا رسول الله هکذا کان یفعل بحبیبتک و ابنتک . . . (25) یا ابتاه یا رسول الله ماذا لقینا بعدک من ابن الخطاب و ابن ابی قحافة (26) بابا ای رسول خدا پس از تو از دست زاده خطاب و ابن ابی قحافه چه بر سر ما آمد . (27)

5 . خط نفاق و دورویی آشکار شد

«ظهر فیکم حسكة النفاق» . (28)

حضرت در جای دیگری از همین خطبه، با کنایه زیبایی به این نفاق افکنی پرداخته است و فرموده است:

«تشریون حسوا فی ارتغاء و تمشون لاهله و ولده فی الخمر والضرء و نصبر منکم علی مثل حز المدی، و وخر

السنان فی الحبشاء؛ (29) شیر را اندک اندک با آب ممزوج نمودید و به بهانه این که آب می نوشید، شیر را

خوردید . کنایه از نفاق است که تظاهر به عملی می شود که در واقع خلاف آن است (30) و برای نابودی اهل بیت

او در پشت تپه ها و درختان کمین کردید . و ما بر این رفتار شما که مانند بریدن کارد و فروبردن نیزه در شکم،

دردآور و کشنده است صبر می کنیم .»

6 . دین و معنویت کم رنگ شد .

«و سمل جلیباب الدین» (31)

«جلیباب» چادر یا عبایی که بدن انسان را می پوشاند، حضرت زهرا (س) تعبیر به جلیباب دین فرموده . چون دین

نیز تمام زوایای زندگی فردی و اجتماعی انسان را در بر می گیرد، همانگونه که چادر و عباء تمام بدن انسان را در بر

می گیرد . (32)

و در عبارتی دیگر فرموده اند: «. . . اطفاء انوار الدین الجلی و اهمال سنن النبی الصفی؛ (33) به خاموش کردن

انوار درخشان دین و بی اهمیت کردن و مهمل گذاردن سنت های پیامبر برگزیده خدا همت گماردید»

7 . مردم دچار بی تفاوتی شدند

حضرت خطاب به انصار که با جان و مال پیامبر را کمک کرده بودند چنین فرمودند:

«یا معاشر الفتية واعضاء الملة، و حضنة الاسلام ما هذه الغمیزة فی حقی والسنة عن ظلامتی؛ (34) ای گروه

جوانمرد، ای بازوان ملت و یاوران اسلام، این غفلت و سستی و ضعف شما در حق من و تغافل و بی تفاوتی و

خواب آلودگی درمورد دادخواهی من، چیست؟»

8 . مردم پیمان شکنی کردند

فرمودند: «فانی حرتم بعد البیان و اسررتم بعد الاعلان و نکستم بعد الاقدام؛ (35) پس چرا بعد از بیان حق حیران و سرگردانید، و بعد از آشکار کردن عقیده پنهان کاری می کنید و بعد از آن پیشگامی و روی آوردن به عقب برگشته پشت نموده اید.»

حضرت زهرا سلام الله علیها، در این فراز به حادثه غدیر اشاره می کند که پیامبر اکرم (ص) آن را برای مردم بیان فرمود و به آنها اعلام کرد و آنان نیز با علی (ع) بیعت کردند. اما اکنون بیعت خود را شکستند.

9. مردم دچار وسوسه های شیطانی شدند

«تستجیبون لهتاف الشیطان الغوی؛ (36) به شیطان گمراه کننده پاسخ مثبت دادید»

و در جای دیگر از خطبه فرموده اند: «اطلع الشیطان راسه من مغزیه هاتفا بکم فالفاکم لدعوته مستجیبین؛ (37)

شیطان سر خود را از مخفیگاه بدرآورد. شما را فراخواند. دید که پاسخگوی دعوت باطل او هستید. . .»

«مغز» یعنی مخفی گاه. در اینجا شیطان به سنگ پشت و خارپشت تشبیه شده است. چون آن هم وقتی

دشمن را می بیند، سرش را در لاک خود فرو می برد. اما وقتی که محیط را بدون خطر احساس کرد، سر خود را

بیرون می آورد. شیطان نیز تا وقتی که پیامبر اکرم (ص) زنده بودند، سرش را در لاک خود فرو برده بود و جرات

نمی کرد خود را نشان دهد. ولی بعد از آن سرش را بیرون آورد و به تحریک مردم پرداخت. (38)

10 - شتاب در شنیدن حرفهای بیهوده و بی اساس

«معاشر الناس المسرعة الى قیل الباطل المغضیة علی الفعل القبیح الخاسر؛ (39) ای گروه مردم که به سوی

شنیدن حرفهای بیهوده شتاب می کنید، و کردار زشت زیانبار را نادیده می گیرید.»

11. نطفه مظاهر فساد روئیدن گرفت

در پایان خطبه عیادت خطاب به زنان مهاجر و انصار فرمود:

«اما لعمری لقد لقحت فنطرة ریثما تنتج ثم احتلبوا ملء القعب دما عیبطا و ذعافا مییدا؛ (40) بجان خودم

سوگند نطفه فساد بسته شد، باید انتظار کشید تا کی مرض فساد پیکر جامعه اسلامی را از پای درآورد که پس از

این پستان شتر به جای شیر خون بدوشید و زهری که به سرعت هلاک کننده است.

12. فرصت طلبان به سر کار آمدند

حضرت سلام الله علیها در فرازهایی از خطبه فدکیه به گروههای فرصت طلب که منتظر بودند تا بعد از رحلت

پیامبر از وضعیت بهره برند پرداخته است. و ویژگی های آنها را نیز بیان فرموده است.

گروههای فرصت طلب

الف: گمراهان ساکت و منتظر.

«نطق کاظم الغاوین؛ (41) گمراهان خاموش به سخن درآمدند»

اینان که در حیات پیامبر جرات حرف زدن هم نداشتند با رحلت ایشان وارد میدان شدند. کسانی مانند ابوسفیان

را می توان جزو این گروه نام برد.

ب: فرومایگان بی نام و نشان.

«ونبغ حامل الاقلین؛ (42) آدمهای پست و بی ارزش با قدر و منزلت شدند»

کسانی که نه از سابقه در دین و نه فداکاری در جنگ های پیامبر برخوردار شدند. به بهانه ترس از فتنه در حالی

که بدن پیامبر بر زمین بود در تعیین خلیفه پیامبر مردم را تحریص می کردند.

ج. شجاعان و دلاور مردان از اهل باطل.

«و هدر فنیق المبطلین؛ (43) شتر اهل باطل بانگ برآورد و در میدان های شما به جولان درآمد.»

ویژگی های فرصت طلبان

حضرت در جای دیگری از همین خطبه ویژگی های آنان را چنین بیان می کند .

1 . در ظاهر ساکت و آرام بودند . وادعون فروگذاران .

2 . اهل خوشگذرانی بودند . فاکهون .

3 . راحت طلب و رفاه زده بودند . انتم فی رفاهیه من العیش .

4 . منتظر پیش آمد حوادث برای پیامبر و اهل بیت بودند .

تتربصون بنا الدوائر .

5 . اخبار و رویدادها را دنبال می کردند .

تتولفون الاخبار .

6 . در جنگ ها عقب نشینی و یا فرار می کردند .

تنكصون عند النزال و تفرون من القتال» (44)

می توان با مطالعه تاریخ به عنوان نمونه ملاحظه کرد که در جنگ احد چه کسانی عقب نشینی کردند و یا فرار

کردند و چه کسانی تا آخرین لحظات در کنار پیامبر اکرم (ص) باقی بودند . (45)

هرچند ممکن است با قدری دقت و تامل موارد دیگری از این پیامدهای تاسف بار را از بیانات حضرت زهرا (س)

بدست آورد، اما در این نوشتار به همین دوازده مورد اکتفا می شود .

متاسفانه جامعه امروز نیز با بعضی این پیامدها گریبانگیر است . امید است با بهره گیری از اسلام ناب و مکتب

اهل بیت علیهم السلام و توجه به راه و خط امام راحل و منویات مقام معظم رهبری در پیرایش این آفات کوشا

باشیم .

پی نوشت ها :

1 . نهج البلاغه (صبحی صالح) خطبه 235 .

2 . همان، خ 197 .

3 . همان، خ 192، بندهای 98 - 102 .

4 . همان، نامه 9 .

5 . همان، نامه 36 .

6 . نهج الحیاة فرهنگ سخنان فاطمه علیهاالسلام، 138، حدیث 59 .

7 . حجرات (49) آیه 14 .

8 . نهج البلاغه، نامه 62 .

9 . بحارالانوار، ج 43، ص 23، حدیث 17 .

10 . الاحتجاج، (اسوه) ج 1، ص 282 .

11 . همان، 270 .

12 . همان، 277 .

13 . الغدير (دارالکتب آخوندي) ج 2، ص 312 .

14 . این خطبه در منابع متعددی آمده است . از جمله: الاحتجاج طبرسی (چاپ اسوه) ج 1، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحديد معتزلی، ج 16، ص 211 به بعد . و کتابهای مستقلى نیز در ترجمه و شرح آن نوشته شده است از جمله: درسهای از خطبه حضرت زهرا، حسینعلی منتظری . شرح خطبه حضرت زهرا در دو جلد . عزالدین حسینی زنجانی، قطره ای از دریا . علی ربانی گلپایگانی .

15 . ر . ک به الاحتجاج، ج 1، بحارالانوار، ج 43، ص 158 به بعد .

16 . الاحتجاج، ج 1، ص 270 .

17 . همان، ص 287 .

18 . همان، ص 270 .

19 . انبیاء، 30 .

20 . الاحتجاج، ج 1، ص 270 .

21 . همان .

22 . درباره سقیفه از جمله ر . ک به شرح نهج البلاغه ابن ابی الحديد، ج 2، ص 20 - 60 و ج 6، صص 5 - 50 .

23 . نهج البلاغه، نامه 62 .

24 . الارشاد شیخ مفید، ترجمه آقای رسولی محلاتی چاپ دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج 1، ص 250 .

25 . نهج الحیة فرهنگ سخنان فاطمه سلام الله علیها، 147 .

26 . همان، 250 .

27 . امام علی . عبدالفتاح عبدالمقصود، (ترجمه به فارسی) ج 1، ص 328 .

28 . الاحتجاج، ج 1، ص 263 و 264 .

29 . همان، 266 .

30 . ر . ک به قطره ای از دریا، شرح خطبه حضرت زهرا، 126 .

31 . الاحتجاج، ج 1، ص 264 .

32 . درسهای از خطبه حضرت زهرا، 118 .

33 . الاحتجاج، ج 1، ص 266 .

34 . همان، 269 .

35 . همان، 272 .

36 . همان 266 .

37 . همان 264 .

38 . درسهای از خطبه حضرت زهرا، 120 .

39 . الاحتجاج ج 1، ص 278 .

40 . همان، 290 .

41 . همان 264 .

42 . همان .

43 . همان .

44 . همان 263 .

45 . ر . ک شرح نهج البلاغه ابن ابی الحديد، ج 15، صص 20 - 25 .

x . در ترجمه عبارات: بیشترین استفاده از ترجمه نهج البلاغه و نهج الحیاة آقای محمد دشتی شده است .